

درحاشیه جابجایی و افزایش ابهام در تاریخ آزادی رضا شهبابی

جماعتی که نظر را حرام می گویند

نظر حرام بکردند و خون خلق حلال (سعدی)

امیرجوهری لنگرودی

شنبه ۱۱ آذر ۱۳۹۶ برابر با ۰۲ دسامبر ۲۰۱۷



تبریک به همه : محمود صالحی آزاد شد!
تا آزادی رضا شهبابی از پا نخواهیم نشست!



رضا شهبابی محمود صالحی

کمپین دفاع از رضا شهبابی



روشن است مبارزه لایه های مختلف کارگران ایران از جمله: بخش های صنعتی - تولیدی - خدمات و گروه های مختلف بازنشستگان کشوری - لشکری - فرهنگی و بازنشستگان فولاد اصفهان ، پرستاران ، دستفروشان ، روستائیان فروخته در بی آبی مطلق زمین و خاصه نیروی عظیم مالباختگان که از منجلاب فروخته بحران ساختاری به خیابان آمده و هر روزه این سلسله اعتراضات هم از پهنا و هم از ژرفا توسعه می یابد هرچند رشد و توسعه آنها خیلی با تانی ولی پیوسته صورت می گیرد ، در برابر کلیت نظام صف کشیده اندو مطالبات خود را طلب می نمایند!

درخیز این مجموعه تحركات؛ آنگونه که اسناد سندیکای شرکت واحد نشان می دهد؛ رضا شهبابی بس دلاورانه در همراهی هم طبقه ای هایش، دوشادوش آنان ایستاد تا مطالبات شان را به فریاد کشند . این رودرروی بدلیل پرونده ای که از پیش در بغل داشت، بسیار خطرناکتر از دیگر همکاران اش برای او عمل نمود. برهمگان روشن است؛ رضا شهبابی از فعالان شناخته شده سندیکای شرکت واحد، که در دوره آزادی نماد تحركات خیابانی فعالان سندیکا بود؛ وجودش در بیرون و درکف خیابان به عوامل سرکوب نظام اسلامی گران آمد و بر آن شدند که با تهدید وثیقه ملکی وثیقه گذارش، خود رضا شهبابی را طلب نمایند و به زندان بکشاند . امروز هم که در زندان است، بدلیل دشواری جسمی و کلیه اش دچار عفونت شده و مشکلات پروتستان را درکنار مشکلات گردن و کمر تامل می کند . رضا شهبابی در درون زندان، جزسخره مقاومتش، نقطه اتکاء دفاعی خاصی با خود ندارد از اینرو در هنگامه ای دیگر، باید به سپر دفاعی رضا شهبابی کارگر نام آشنای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بدل شد و با همه توان و قدرت در داخل و خارج از کشور صدای او باقی ماند! رضا شهبابی که به زندان کشانده شد، هیچ درجه ای از سبعت این فراخوان قوه قضایی برای او دراین مرحله مرحله به زندان رفتن درمرداد۹۶ روشن نبود.

حکم زندان را آنگونه که می خواستند تراشیدند و براو تحمیل کردند . بدین معنی که " اجرای احکام زندان به ایشان ابلاغ کرد که ۹۶۸ روز از مرخصی پزشکی تایید نشده و غیبت محسوب شده و باید معادل ایام غیبت، زندانی باشد". رضا شهبابی چاره ای جز اعتراض نداشت و همو بود که ۵۰ روز اعتصاب غذا را با تن رنجورش پشت سر گذاشت . همه دستگاه پا به عقب نشینی گذاشتند . اسم و نشان رضا شهبابی در مطبوعات رسمی و دولتی بازخورد یافت . خبرگزاری دولتی ایلنا با همسر و همسنگر جسور خانم ربابه رضایی گفتگو کرد . علی مطهری نام او را در گفتگو با ایلنا برد و خواهان پایان یافتن به وضعیت او شد . وزیر کار علی ربیعی دروغو اعلام داشت: که پرونده او را پی خواهیم گرفت . مقامات امنیتی به همسرش قول مساعد دادند و رضا که در آستانه رفتن به جانب اعتصاب غذای خشک بود در برابر نگرانی و خواست اعضاء خانواده و هم طبقه ای های سندیکایش و همبطور خواست وسیع اتحادیه های کارگری در سطح جهان به شکل موقت و مشروط به اعتصاب غذای خود پایان داد . رضا شهبابی در چنین هنگامه ای نشان داد که همچون گذشته آدم جسور و بی باکی است ولی انگار همه این قول و قرار ها راه بجایی نبرد.

تا اینکه محمود صالحی دستگیر شد . کارگران در داخل و خارج از کشور شدیداً نسبت به این اقدام فراقانونی دادستانی تهران و نهادهای امنیتی کشور در سقز اعتراض کردند . کارزارهای وسیع در سطح جهان در رابطه با این دو فعال شناخته شده کارگری سازمان داده شد. بعد از چندی انعکاس خبر آزادی محمود صالحی و پس آنگاه بازتاب خبری آزادی رضا شهبابی و اطلاعیه سندیکا و کمیته دفاع از رضا شهبابی، همگان را نسبت به دریافت خبر آزادی ایشان در تاریخ هجدهم (۱۸) دی ۹۶ ، با شور و شفع همراه ساخت!

در همین رابطه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه؛ در پست تلگرامی خود اعلام می دارد: « طبق آخرین صورت وضعیت که کارگر زندانی رضا شهبابی از زندان دریافت کرده است. تاریخ آزادی اش از زندان هجدهم دی ماه سال ۹۶ ثبت شده است...»، هنوز مرکب این خبر خشک نشده است که بار دیگر در همین پست تلگرامی سندیکای شرکت واحد با نگرانی آمده است: « افزایش ابهام در مورد آزادی رضا شهبابی» بدین معنی که « نیروهای قضایی - امنیتی با وی همچون گروگان رفتار می کنند و با عدم آزاد کردنش؛ قصد دارند تا با افزایش فشار او را وادار کنند تا از ادامه فعالیت های کارگری منصرف کنند.» و اطلاعیه سندیکا ادامه می نویسد: « پس از اینکه سندیکا اعلام کرد رضا شهبابی دی ماه سال جاری آزاد خواهد شد. صورت وضعیت زندان را به گونه ای تغییر داده اند که شهبابی در حال گذراندن حکم یکساله زندان خود است و در ضمن ۸۸۷ روز غیبت در صورت وضعیت درج شده است. این کارگر زندانی در حالیکه محکومیت زندان اش پایان یافته بود با فشار دادستانی تهران و نیروهای امنیتی به بهانه اینکه سه ماه از مرخصی پزشکی اش تایید نشده است...» باید در زندان بماند.

کمیته دفاع از رضا شهبابی در تاریخ (۲۴) بیست و چهارم نوامبر ۲۰۱۷ در کانال تلگرامی خود در همین رابطه با عنوان اطلاعیه فوری نوشت: « تصریح و تدقیق درباره تاریخ آزادی رضا شهبابی؛ تاریخ واقعی آزادی او را ما رقم میزنیم!» و در ادامه آمده است: «... از ساعتی پیش پیام هایی به کمپین دفاع از رضا شهبابی واصل شده که از ما پرسیده اند که آیا کدام یک از تاریخ هایی که درباره آزادی رضا شهبابی در طی زمان های مختلف اعلام شده، صحت دارد؟ بدین وسیله ما رسماً اعلام میکنیم که تاریخ های مختلف اعلام شده هیچ کدام تاریخی تضمینی برای آزادی وی نیست و تاریخ. واقعی آزادی رضا شهبابی، از اتحاد و اعتراض ما رقم خواهد خورد...»

کمیته یاد شده در تاریخ (۹) نهم آذر ۹۶ در بیانیه شماره ۱۰۶ خود اعلام می دارد: « در آخرین صورت وضعیتی که رضا شهبانی از زندان دریافت کرده بود تاریخ آزادی وی ۱۸ دیماه ۱۳۹۶ ذکر شده بود و هیچ غیبتی نیز در آن قید نشده بود، اما در هفته گذشته که وی مجدداً از اجرای احکام زندان پیگیر وضعیت خود شد، به او اعلام کرده اند که حکم ۶ سال زندان قبلی اش تمام شده و از این پس رضا در حال گذراندن محکومیت یک ساله خود است و ضمناً در صورت وضعیت جدید عدد ۸۸۷ روز را نیز به عنوان دوران غیبت اعلام کرده اند!» بیانیه تاکید می کند: « به نظر میرسد دلیل دیگر تغییر مداوم تاریخ آزادی رضا شهبانی، ایجاد سردرگمی و یأس در تلاشهای افراد و تشکل های مختلفی است که همواره به شکل های مختلف نسبت به شرایط رضا شهبانی اعتراض کرده و خواستار آزادی فوری او بوده اند.» کمیته دفاع از رضا شهبانی اعلام می دارد: «... دور جدید پرونده سازی و اعمال فشار بر این کارگر زندانی با دست کاری تاریخ های پرونده توسط مسئولان امنیتی-قضایی کلید خورده است؛ این در حالی است که رضا شهبانی کماکان از نظر جسمی در شرایط نامناسبی به سر می برد: دکتر زندان به وی اعلام کرده است که کلیه اش دچار عفونت شده است، با توجه به شواهد ممکن است دچار مشکلات پروستات باشد و با وجود انجام MRI به دلیل مشکلات گردن و کمر، هنوز مسئولان زندان اقدامی جهت ویزیت مجدد این زندانی و ارائه پاسخ آن به پزشک معالج انجام نداده اند...»

می توان گفت: زندگی تمامی گروه بندی های اجتماعی که سطوحی از مطالبات و خواستی خود را از حاکمیت طلبکارند، همچنان باز و بی پاسخ مانده و به ژرفای زندگی شان و زیر گرفتن امنیت شغلی یکایک آنان دامنه پیدا می کند. روز به روز مردم به طرح سوالات خود روی می آورند. یک پرسش همواره بر زبان ها جاری ایست. چه کس و کسانی به خواست های آنها جواب خواهند داد؟ حاکمیت، مجلس، دولت، وزیرکار، کارفرما، بنگاهها و موسسات یا دست به آسمان رها کردن و خدا را واسطه گرفتن؛ کدامیک؟ و از همین روست که همواره در برابر مجلس (بهارستان)، دفتر ریاست جمهوری (پاستور)، وزارت کار (آزادی)، سازمان برنامه (بهارستان)، وزارت آموزش و پرورش، شهرداری ها، دفاتر کارفرما ها و ... سرگردان و شناورند

برما معلوم و میرهن است؛ شما شیبانان غاصب که عنوان پیشوایی و ولایی مردم را برای خود برگزیده اید، پای در گل فرو برده اید، اصلاً و اساساً مفهوم زندگی را آنقدر درک نمی کنید تا بتوانید برای دیگران و پرسش های آنان جوابی روشنتر فراهم آورید.

شما آدمی را بجرم نظر و عقیده اش و تلاشش برای وصول باور و اهداف انسانی اش، به زندان می برید و به دلخواه این قاضی و آن حاکم بدنهاد، حکم می تراشید. آنگاه که زندانی کلمه مطالبه و باورش را بر زبان میراند، شکنجه گران و قضات بی باورتان، وقیحانه می خندند و انسان زندانی شده را به صورت مشتکی استخوان در آمده در ته سلول ها راه می سازند تا هوسهای کثیف خود را به نام قرآن و مبانی شریعت صیقل دهند و جبن و فرومایگی آکنده خود را برخ زندانی کشند!

دادستان تان که برپال خرده هوسهای کینه توزانه خود تا به امروز دهها و صد ها حکم ضد انسانی برجان و مال همین مردم و طبقه رنج و کار جامعه ما صادر کرده اند به نظاره عمل شنیع شکنجه گران می نشینند تا عطش خفته زندگانی مرده وار را بر خود فرو نشانند و تماشاگر احکام ضد انسانی خود بر تن و جان زندانی و همگان او اعم از فرزندان و همسر، مادر و پدرشان باشند.

زندانی مقاومت می ورزد، شما شکنجه می کنید. زندانی مدت زندانش را به پایان می برد، شما حکم جدید از آستین مرقع خود در می آورید و به رخ زندانی و کسانش می کشید.

زندانی با وساطت وکیلش به دفاع از خود برمی خیزد و شماها مجبورید او را با وثیقه میلیون ها تومانی رهایش سازید تا هر آنگاه که عشق دیوانه سرانه تان کشید، آن پرونده را از کشوی میز و یا گاو صندوق تان در آورید و او را با ناکمی دیگر و یا در طلب وصول وثیقه اش به زندان کشانید.

شما صاحبان قدرت خدایی، در این بی نظمی و آفرینش هر ج و مرج، زبونی و پستی، تا چه حد فرو مایه هستید که اینگونه ذره و ذره، آب شدن شمع وجود زندانی را نظاره می کنید و راحت سر بر نماز می سائید؟!

شما در تنگنای خفته سکوت مردمان جامعه و آوای ناگفته آنان، همچون ارواح تحقیر شده و مرده های متحرکی به زندگی شبابی خود در میان هزاران و میلیون ها اسلحه دار سپاهی و میلیون ها بسیجی زنجیر به دست حزب الهی و معتقد به ولایت الله، به صورت ارواح تحقیر شده ای همچنان بر منبر می رانید و همانگونه که سعدی در چندین قرن پیش گفته بود: **"نظر را حرام می داند و خون خلق حلال!"**

زبونی شما نشان می دهد که جز زره دروغ و وقاحت و بیشرمی، چیزی برتن خود نپوشانید، توانایی تان به قدری اندک و قدرت اسلحه و زندان تان است که در این میان، مردم متحد و متشکل و سازمانیافته تنها با مشتکی بر فرق تان، خواهند توانست اسباب سقوط تان را فراهم می سازند.

شما از تفرق و پراکندگی و جدا سری همین مردمان سود می جوید و اسب خود به تاخت می برید. خوب است که راه بگشایید تا روزنه ای گشوده شود. آنوقت خواهید دید که طبقه متشکل و سازمان پذیر مان با به میدان آمدن هر روزه خویش، امان تان را بریده و زندگی مرده خوارانه شما را به هر روی تنگ و تنگ تر می گردانند. خود تماشاگر همه سیمای آتش زنه روزگار ما اید که در برابر شما تمام قد به صف ایستاده است.

فریاد مادران، زنان، پرستاران، دانشجویان، بازنشستگان، معلمان، اساتید مرفی دانشگاهها، دست فروشان، کودکان خیابانی کار، کارگران بخش های مختلف کشور، مال باختگان، نویسندگان مرفی، سینماگران با دوربین های خویش، روزنامه نگاران همسوی جامعه، همه و همه در طی ماههای آذر، دی و بهمن و دیگر روزها، هفته ها و ماهها در برابر تان صف کشیده اند. راه بگشایید نیروی رنج و کار جامعه در راهند تا به روزگار حاکمیت سیاهتان لعنت فرستند؛ آزادی، رهایی و دمکراسی را بر حیات جامعه باز گردانند. آن روز دیر نیست!